

## تحلیل انتقادی گفتمان خصوصی‌سازی آموزش و پرورش

### در گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی

کبری احمدوند<sup>۱</sup>؛ اکبر صالحی<sup>۲</sup>؛ علیرضا محمودنیا<sup>۳</sup>؛ سوسن کشاورز<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

#### چکیده

مقاله حاضر، با هدف تحلیل انتقادی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتمان ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی، نگاشته شده است. به همین منظور، اغلب متون و مصوبات دولتی و آموزشی این دوره از گفتمان‌ها، با روش تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، مورد تحلیل و نقد قرار گرفت. آن‌گونه که از تحلیل و تفسیر متون برآمد، گفتمان‌های مذکور، پیرامون مقوله خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، مواضع ارزشی بعضاً متفاوتی داشته‌اند، کمبود بودجه، حفظ روابط سلسله مراتبی، تمرکزگرایی، ابهام و تضاد در نظر و عمل ناآرامی‌های داخلی و خارجی، تعاملات محدود داخلی و خارجی، محافظه‌کاری، غالب بودن و ارجح بودن مواضع فکری و ارزشی مراجع بالادستی نظام، به‌عنوان مهم‌ترین عامل و مانع نسبت به دیگر موارد، از جمله شاخص‌ترین محدودیت‌های درون متنی و موانع برون

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. kobraahadvand1394@gmail.com

<sup>۲</sup> . دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول). Salehihidji2@yahoo.com

<sup>۳</sup> . دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. Alirezamahmudnia@yahoo.com

<sup>۴</sup> . دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. ss.keshavarz@yahoo.com

متنی در فراهم آوردن الزامات تحقق خصوصی‌سازی آموزشی است که نشانگر ناهمخوانی اهداف و برنامه‌های مطرح شده با مناسبات و اهداف حقیقی و مدنظر دو گفتمان است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش و پرورش؛ تحلیل انتقادی گفتمان؛ خصوصی‌سازی؛ گفتمان ایدئولوژیک-سازی؛ گفتمان سازندگی.

## بیان مسأله

خصوصی‌سازی آموزش از مباحث بحث برانگیز دهه‌های اخیر بوده است. ایده خصوصی‌سازی آموزش نیز همانند دیگر موضوعات در میان صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور، مورد بحث قرار گرفته است. آموزش و پرورش، نظامی باز و گسترده است و از این‌رو عوامل متعددی بر آن اثر می‌گذارند و هر یک به نوبه خود از آن تاثیر می‌پذیرند. به عبارت دیگر، برای رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره نیاز به رشد و بالندگی در آموزش و پرورش می‌باشد که این امر نیازمند مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی در اجرای آن است (جوشی، ۲۰۱۹: ۵۹). اهمیت آموزش در جهت رشد و توسعه، هر روز در حال افزایش است و پیشرفت‌های فناوری و استانداردهای زندگی مدرن، نیازمند افراد تحصیلکرده و متبحر در سراسر دنیا است. برای این منظور، نظام‌های آموزشی و نیز سیاست‌گذاران باید آموزش را برای همه فراهم کرده و کیفیت آن را ارتقاء دهند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل، هدفی برای اعضای خود در ارائه آموزش برای همه تعیین کرد که منظور دسترسی همه به آموزش پایه بود. با این حال، گرچه بسیاری از گفتمان‌ها، این قانون را پذیرفتند، اما منابع کافی مانع از تحقق اهداف آن شد (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

همچنین، محدودیت شدید منابع مالی دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در عدم تعادل میان امکانات آموزش و پرورش و انتظارات جامعه است و برای دستیابی به اهداف و راهبردهای کلان آموزش و پرورش برای کسب رتبه اول در منطقه تا سال ۱۴۰۴ و دستیابی به کشوری که در مسیر توسعه قرار دارد، لازم است که سیاست‌ها و برنامه‌هایی ویژه طراحی و اجرا شود. منظور برنامه‌هایی است که سبب ارتقای کارایی، توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تقویت مشارکت اثربخشی و مسئولیت‌پذیری مردم در آموزش و پرورش می‌باشد (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). در بسیاری از کشورها، آموزش یکی از بهترین راهکارهای رشد اجتماعی و اقتصادی است و به همین دلیل فشار برای دریافت آموزش با کیفیت بالا می‌باشد و اگر سیاست‌گذاران نتوانند آموزشی که والدین

برای فرزندان خود انتظار دارند را فراهم سازند، آنان به دنبال آموزش خصوصی می‌روند (گاملات و لاهیری، ۲۰۱۸: ۹). یکی از برنامه‌های جبران منابع مالی دولت در زمینه آموزش و پرورش، خصوصی سازی آن است که از مباحث بحث‌برانگیز دهه‌های اخیر بوده و صاحب‌نظران درباره آن نظرهای موافق و مخالف زیادی داشتند (سلتمن، ۲۰۲۰: ۲۰۰) خصوصی سازی به معنای تغییر مدیریت، تعهدات و ارزیابی‌ها از سازمان‌های دولتی و واگذاری آنها به سازمان‌های خصوصی می‌باشد و بحث خصوصی سازی به‌ویژه در پدیده جهانی شدن، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (بوم و کوپر، ۲۰۱۸: ۱۰۲).

خصوصی سازی آموزش و پرورش علاوه بر کاهش فشار بودجه بر سیاست‌گذاران آموزشی با ایجاد یک بازار رقابتی در یاددهی و یادگیری، باعث کارایی بیشتر در استفاده از منابع، توجه مضاعف به علائق و انتخاب‌های افراد، افزایش حساسیت آحاد مردم به نظام آموزش و پرورش و درخواست پاسخگویی و ارائه خدمات با کیفیت از آن می‌شود (آدامسون و گالووی، ۲۰۱۹: ۲۰). آموزش به لحاظ تاریخی، وظیفه بخش خصوصی و به‌طور مشخص، والدین دانش‌آموزان بوده است. برخی از کشورها آموزش و پرورش را به عنوان وظیفه خویش تعریف و به واسطه مزایای اقتصادی - اجتماعی مترتب بر آن برای کل کشور، در ارائه آموزش کیفی به فرزندان ملت اهتمام ورزیده‌اند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶).

از دهه ۱۹۷۰ به این طرف به واسطه چالش‌هایی که آموزش و پرورش کشورها در ارائه درست آموزش با آنها روبه‌رو بوده است، شاهد ظهور دوباره مدارس غیردولتی در عرصه آموزش بوده‌ایم. مدارس دولتی به مدارسی اطلاق می‌شود که کلیه امور آموزشی پرورشی، مالی و اداری را دولت تقبل می‌کنند. در حال حاضر اگرچه آموزش در بیشتر کشورها عمدتاً در دست دولت‌ها باقی مانده است، با این حال، روند حرکت به سمت سپردن آموزش به دست مدارس غیر دولتی سرعت فزاینده‌ای پیدا کرده است. در ایران، مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش، پس از انقلاب اسلامی به دلیل رشد جمعیت و تشدید نیاز به امکانات آموزشی برای افراد لازم‌التعلیم و عدم توان دولت در تامین هزینه‌های مربوطه، شکل گرفت. در همین راستا مدارس غیردولتی، به‌عنوان بارزترین شکل مشارکت بخش خصوصی در آموزش و با هدف افزایش پوشش هرچه بیشتر دانش‌آموزان و توزیع بهتر امکانات و بودجه آزاد شده آموزش و پرورش در جهت کیفیت‌بخشی به آموزش دولتی تاسیس شدند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶).

در خصوصی‌سازی آموزش، توجه بیشتری به سلاقی و انتخاب‌های افراد جامعه می‌شود. به علاوه، حساسیت عمومی در جهت درخواست پاسخگویی بیشتر از ارائه‌دهندگان خدمات آموزشی افزایش می‌یابد که خود نیز موجب افزایش کیفیت آموزش خواهد شد (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۰). در طول تاریخ، دست‌اندرکاران با توجهات و اهداف متفاوتی چه در زمینه آموزش عمومی برای شهروندی و چه در زمینه تخصصی برای ایجاد مهارت، در نظام آموزشی دخالت نموده‌اند (فریدمن، ۱۹۵۵: ۱) که کشور ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است. در کشور ایران، با انقلاب مشروطیت، تاسیس مدارس دولتی، تحصیل اجباری و متعاقب آن، برقراری عدالت آموزشی، در حوزه وظایف دولت قرار گرفت (آقازاده، ۱۳۸۹: ۲۶).

در ارتباط با خصوصی‌سازی آموزش، پژوهش‌هایی در ایران و در خارج از کشور انجام شده است؛ برای نمونه ایکمبا-فوگیا و راج<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) معتقدند که الزام به ارائه آموزش و خدمات با کیفیت منجر به تأسیس مدارس خصوصی شد و انگیزه ایجاد مدرسه برای برخی از گردانندگان مدارس خصوصی اساساً ناشی از نیاز به ایجاد تاثیر مثبت بر جامعه با تاکید بر تغییر مثبت در نظام آموزشی شده است. همچنین مارتین و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) نشان دادند که خط برش بین دولتی بودن و خصوصی‌سازی آموزش بسیار با اهمیت است که با شروع فرآیند خصوصی‌سازی آموزش و پرورش از حالت خصوصی به عمومی یا همگانی درآید. عزیزی و همکاران<sup>۳</sup> (۱۴۰۰) تنوع بخشی را عامل رشد آموزش عالی خصوصی دانسته و یلدریم<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) خصوصی‌سازی آموزش عالی را یک استراتژی سیاسی تلقی نموده است. ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) عملکرد نادرست نهادهای دولتی آموزشی را سبب رشد آموزش خصوصی دانسته‌اند. آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) وجود غیرانتفاعی-ها را برای کاهش تقاضای اجتماعی ضروری دانسته‌اند. در چنین شرایطی گسترش سریع خصوصی‌سازی در سیستم‌های آموزش جهان و تنوع رو به رشد اشکال و شیوه‌های آن، مجموعه-ای از سؤالات پیچیده را برای محققان، متخصصان و سیاست‌گذاران در زمینه آموزش فراهم می‌کند.

---

1. Raj, R and IKEMBA-EFUGHI

2. Martin

3. Yildirim

آراسته (۱۳۸۹) از یکسان بودن ساختار مؤسسات آموزش خصوصی و دولتی می‌گوید و معتقد است آموزش ایران برگرفته از نظامی متمرکز است و ساختار متمرکز، پاسخ‌گوی محیط پیچیده نخواهد بود. یافته‌های باباخانی (۱۳۹۸) نشان داد که در گفتمان دفاع مقدس و نیز در گفتمان سازندگی، نشانه‌های جدی و امروزین از مؤلفه‌های تربیت شهروندی چندان یافت نمی‌شود. اما در سه گفتمان اخیر اصلاح‌طلبی، عدالت‌محوری و اعتدال، توجه به تربیت شهروندی، رشد چشمگیری داشته است که البته در هر گفتمان، عناصر و مؤلفه‌هایی از آن مورد غفلت واقع شده و یا به‌طور کامل اجرا نگردیده است.

گفتمان‌ها، مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی‌اند و بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب یا گزاره و قضیه (گفتاری و نوشتاری) تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۷). مؤلفه‌های اساسی نظیر اینکه چه کسی؟ چگونه؟ چرا؟ چه وقت؟ و با چه نیت و آمریتی سخن می‌گوید، در تعریف مفهوم گفتمان بسیار مهم می‌نماید و اگرچه گفتمان فراتر از ایدئولوژی است، اما هیچ گفتمانی به‌طور آگاهانه یا غیرآگاهانه، بی‌طرف نیست و به موقعیت خاصی وابسته است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۶). از این‌رو، بررسی و شناسایی ماهیت و موقعیت گفتمان‌های غالب بعد از انقلاب اسلامی که تأثیرات مهمی بر شکل‌گیری مسائل و جریانات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دوران حاکمیت گفتمانی خود و بعد از خود داشته‌اند، به منظور تحلیل انتقادی گفتمان پیرامون مقوله خصوصی‌سازی و مدارس غیر دولتی ضرورت می‌یابد. دهه اول انقلاب اسلامی که مصادف بود با دوران رهبری روح‌الله خمینی (ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی و نخست‌وزیری میرحسین موسوی، پروژه دینی کردن جامعه بر دیگر امور ارجحیت یافت و به نوعی قرائت ایدئولوژیک و انقلابی از دین اسلام یا ایدئولوژی‌سازی از متن دین، توسط اسلام‌گرایان، به صورت متمرکز و با این باور که دین، بهترین برنامه برای اداره دنیای انسان‌هاست، غالب شد (کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

در دهه اول انقلاب، خوانش ایدئولوژیک از دین در چارچوب اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی غالب بود، بر این اساس، برخی تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی، در زمان حاکمیت اولین دولت که مقوله تسری کارکرد ایدئولوژیک دین در پیوند با ارزش‌های انقلابی نمود بارزتری داشت، گفتمان ایدئولوژیک‌سازی نام‌گذاری نموده‌اند. دوران حاکمیت دولت سازندگی نیز با غالب شدن سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر بازسازی و توسعه اقتصادی، گفتمان سازندگی نام گرفت (حسین

زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۱). گفتمان‌های مذکور، با تکیه بر مواضع فکری و ارزشی خود، سیاست‌ها و برنامه‌هایی پیرامون خصوصی‌سازی و مدارس غیردولتی مدنظر قرار دادند، موضوع مورد مطالعه، تحلیل انتقادی گفتمان است، بنابراین، با این پیش‌فرض که زبان گفتمانی، نقش مهمی در ساختار قدرت ایفا می‌کند و چه بسا ممکن است که زبان یک گروه، تبدیل به ایدئولوژی حاکم شود (جهانگیری، ۱۳۹۰)، با توجه به آنچه در مورد خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و شکل‌گیری و اهداف مدارس غیرانتفاعی گفته شد و با نظر به اینکه بعد از انقلاب اسلامی، تحولاتی در اهداف و برنامه‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش صورت گرفته و چنین تحولاتی موضوع خصوصی‌سازی آموزش و پرورش را دست‌خوش تغییرات اصلی و اساسی نموده است، این مسئله مطرح می‌شود که گفتمان‌های غالب بعد از انقلاب اسلامی ایران، خصوصی‌سازی آموزش و پرورش را چگونه بازنمایی کرده‌اند و این گفتمان‌ها در نحوه‌ی بازنمایی مفهوم خصوصی‌سازی آموزش و پرورش چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. لذا دغدغه‌ی اصلی پژوهش حاضر ناظر بر توصیف ویژگی‌ها و تعیین شرایط تاریخی اجتماعی است که اسناد و متون مرتبط در آن دوران گفتمانی تولید و مصرف شده‌اند و تبیین نمودن جایگاه و اهداف پنهان گفتمان‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، در دوره‌های گفتمانی ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی می‌باشد. از این‌رو این پژوهش درصدد تحلیل انتقادی گفتمان خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در دوره‌ی گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی برآمده است.

### روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف است، که به مطالعه‌ی چگونگی تولید، بازتولید و استمرار نابرابری‌ها، سلطه و قدرت اجتماعی در ساختار سیاسی و اجتماعی و از طریق متن و گفتار می‌پردازد. چنین روشی به دنبال فهم، شناخت و افشای نابرابری‌هاست (شیفرین و تانن، ۲۰۰۱: ۸). این روش از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. در سطح توصیف، آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن صورت‌می‌پذیرد. در سطح تفسیر، به بررسی چگونگی شرایط تولید و خوانش متن پرداخته می‌شود و در سطح تبیین، تاثیر دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها را بررسی می‌کند (فرکلاف، ۲۰۰۵: ۳۲).

در مرحله‌ی توصیف، با تکیه بر معیارهای ثابت زبان‌شناختی، تحلیل بر اساس ارزش‌های تجربی متن (یعنی واژگان پربسامد و محوری، واژگان دارای شمول معنایی، واژگان دارای بار ایدئولوژیک و فاعل معلوم یا نامعلوم)؛ ارزش‌های رابطه‌ای متن (یعنی نوع بیان، چگونگی اتصال جملات،

امری یا خبری بودن جمله از لحاظ دستوری به کار گرفته شده (و ارزش‌های بیانی متن) یعنی برجسته‌سازی و طرد هویت‌های اجتماعی و فاعلان، واژگان سلبی یا مثبت، واژگان تقابلی، چگونگی به‌کارگیری ضمایر فاعلی، ایهام و ابهام در جملات، واژگان محدودکننده با به‌کارگیری عبارت‌های شرطی (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۲۲) انجام می‌شود.

در سطح تفسیر، چگونگی شرایط تولید و خوانش اسناد و مصوبات پیرامون خصوصی‌سازی آموزش در گفتمان‌های مذکور با نظر به تحلیل در مرحله توصیف، تحلیل برون‌متنی و با تکیه بر دانش زمینه‌ای مفسر به منظور کشف عوامل و شرایط مؤثر در تولید متون، مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله تبیین، بیانات، اسناد و مصوبات گردآوری شده با توجه به تحلیل‌های حاصله در سطح توصیف و تفسیر و بر اساس دانش زمینه‌ای مفسر، در ارتباط با عوامل برون‌متنی (یعنی عوامل جامعه‌شناختی، اقتصادی، گفتمان مسلط و تأثیراتی که بر تولید متون داشته‌اند)، مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش با توجه به مسأله اصلی تحقیق که تحلیل انتقادی گفتمان خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در دوره ایدئولوژیک و سازندگی است، از داده‌هایی به‌عنوان متن استفاده کرده‌ایم و جریان‌های سیاسی را به‌عنوان بستر و زمینه در نظر گرفته‌ایم. شیوه گردآوری داده‌ها، سندکاوی و کتابخانه‌ای است.

به منظور بررسی گفتمان خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، مقطع تاریخی مورد مطالعه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ دو دولت بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. این مقطع تاریخی به این دلیل انتخاب شده است که پس از عزل دولت ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان دولت بعد از انقلاب و شهادت رجایی و باهنر به‌عنوان دولت دوم که هر دو دولت عمر چندانی نداشتند، دولت سوم با ریاست آیت‌الله خامنه‌ای و نخست‌وزیری موسوی تشکیل شد. بنابراین اقدامات آموزشی دولتمردان نیز عملاً از دولت سوم و دولت چهارم هاشمی رفسنجانی به بعد قابل مطالعه است.

#### ب) انتخاب نمونه

در جدول شماره ۱ اسناد مورد بررسی در زمینه خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در هر دوره گفتمانی بیان شده است.

جدول شماره‌ی یک- اسناد مورد تحلیل در دوره‌های گفتمانی بعد از انقلاب اسلامی

دوره گفتمانی	نام دولت	تاریخ دوره گفتمانی	اسناد مورد تحلیل
عدالت اجتماعی	میرحسین موسوی	۱۳۶۰-۱۳۶۸	متون قانون آموزش و پرورش عمومی و اجباری و مجانی (۱۳۲۲)؛ قانون تأسیس سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس (۱۳۵۴)؛ لایحه قانونی الحاق به لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب (۱۳۵۸)؛ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی (۱۳۶۷)؛ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش (۱۳۶۶)؛ لایحه قانونی راجع به تبدیل اداره واحدهای آموزشی غیردولتی به صورت دولتی (۱۳۵۸)، آیین نامه اجرایی نهضت سوادآموزی (۱۳۶۷)
سازندگی	هاشمی رفسنجانی	۱۳۶۸-۱۳۷۶	برنامه اول و دوم توسعه؛ قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی؛ قانون گزینش معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش؛ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق آموزشی مصوب ۱۳۷۲، مدارس نمونه دولتی مصوب ۱۳۶۹، مدارس نمونه مردمی مصوب ۱۳۷۲

ج) تحلیل اسناد

برای پاسخ به سؤال این تحقیق، باید در نظر داشت بررسی خصوصیات خصوصی سازی آموزش و پرورش در گفتمان‌های مختلف بازتولید و اصلاح می‌شوند. برای پاسخ به این سؤال و مشخص شدن ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی ساخت گفتمان‌های خصوصی سازی آموزش و پرورش بعد از انقلاب، به تحلیل اسناد گفتمانی در سطح توصیف پرداخته‌ایم و به اسناد و متون تاریخی، در دوره‌های تاریخی مراجعه شده است تا بر اساس تحلیل متون در سطح تفسیر، تصویر روشنی از اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره پدید آید. برای مشخص نمودن جایگاه، فرایندهای مرتبط و اهداف پنهان گفتمان‌های خصوصی سازی آموزش و پرورش بعد از انقلاب به تحلیل اسناد گفتمانی در سطح تبیین پرداخته‌ایم.



یافته‌های پژوهش

الف. تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در اسناد گفتمانی و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

در این قسمت، مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در بیانات مستقیم نخست وزیر وقت و مصوبات شورای عالی آموزش دهه اول انقلاب، به ترتیب در جداول شماره (۲) و (۳) توصیف شده است:

جدول شماره دو- تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در اسناد گفتمانی در دوره

ایدئولوژیک (سطح توصیف)

<p>ظلم/ ساطه/ غرب‌گرایی/ تجمل‌گرایی/ استکبار/ دشمن/ استعمار/ تبعیض/ بریدگی فرهنگی / ازخودبیگانگی فرهنگی / ضدانقلابی / محرومیت/قانون شکنی</p>	<p>واژگان سلبی</p>
<p>جنگ تحمیلی/حفظ اصول و ارزشهای نظام اسلامی و انقلابی/ تأکید بر اصل ولایت فقیه برای پیشگیری از آسیب جامعه/ مخالفت با تجدد و فرهنگ غربی/ استکبارستیزی/ جمهوری اسلامی/ ولایت فقیه/ بازسازی فرهنگی/ وحدت دینی و فرهنگی/ دولتی‌سازی/ وحدت فرهنگی و دینی و مقابله با دشمن/ دولتی‌سازی گسترده/ عدالت اسلامی و اجتماعی</p>	<p>واژگان محوری و پربسامد</p>
<p>حامی انقلاب در مقابل مخالف انقلاب/ متعهد در مقابل غیرمتعهد/ دولتی در برابر غیردولتی/ اسلامی و انقلابی در مقابل شرقی و غربی/ مرفه در برابر محروم /عدالت اسلامی در مقابل عدالت غیراسلامی/ وحدت فرهنگی در برابر بریدگی فرهنگی/ باایمان در برابر بی‌ایمان</p>	<p>واژگان تقابلی</p>
<p>افعالی نظیر: اقدام نماید/باید/نباید کاربرد عباراتی نظیر: در چارچوب‌های انقلابی و اسلامی/ نظام ما/ سرکوب خواهیم کرد / کاربرد صفات ایدئولوژیک: ضدانقلاب، غیرمتعهد، غرب زده، ضد ولایت فقیه (اطلاعات ۱۵ تیر ۱۳۶۲)</p>	<p>واژگان محدود کننده</p>

<p>عدالت اجتماعی / دولتی‌سازی در همه حیطه‌ها/ مخالفت با خصوصی‌سازی و سرمایه‌داری غیرمولد/ دولتی‌سازی گسترده و اقتصاد دولتی / عدالت به مثابه عدالت توزیعی، فقرزدایی با تکیه بر دولت محوری/ توجه به آموزش در مناطق محروم/ دولتی‌سازی مدارس / دریافت کمک از افراد متمکن و خیر/ قطع هزینه سرانه در مناطق مرفه و اختصاص آن به مناطق محروم/ مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم (لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵)</p>	<p>مفاهیم خصوصی‌سازی آموزش متن</p>
--	--

### جدول شماره سه-تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در مصوبات شورای عالی

#### آموزش (سطح توصیف)

<p>بی بضاعت، محروم، نیازمند، بی سرپرست، تبعیض، مصرف‌زدگی، ضد انقلاب، ضداسلام (قانون آموزش و پرورش عمومی و رایگان)</p>	<p>واژگان سلبی</p>
<p>اولویت اهداف و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در کلیه موارد اعتقادی، تربیت دینی؛ عدالت-گستر، تکیه در آموزش، گزینش اعتقادی، پاک‌سازی فرهنگی، قناعت، تعاون، امر به معروف و نهی از منکر، توجه به قشر آسیب‌پذیر، بی سرپرست و محروم، اولویت اینترگران و جانبازان، فقرزدایی (قانون مدارس غیرانتفاعی، قانون اهداف آموزش و پرورش ۱۳۶۷)</p>	<p>واژگان محوری و پرسامد</p>
<p>تنوع و مقتضیات طبیعی در برابر اصول و قواعد دینی و انقلابی؛ قناعت در برابر مصرف‌گرایی؛ غربی در برابر اسلامی؛ انقلاب در برابر ضدانقلاب؛ دولتی در برابر غیردولتی، باایمان در برابر بی‌ایمان؛ پیرو ولایت فقیه در برابر ضد ولایت فقیه؛ مرفه در برابر غیرمرفه؛ متعهد در برابر غیرمتعهد (قانون اهداف آموزش و پرورش)</p>	<p>واژگان تقابلی</p>
<p>افعال و عباراتی نظیر تحت نظارت؛ طبق مقررات وزارت مرکزی؛ بر اساس ضوابط وزارت آموزش؛ پاک‌سازی شوند؛ با نظارت آموزش و پرورش؛ مطابق با اهداف و چارچوب جمهوری اسلامی؛ مطابق موازین اسلامی (افعال امری و رسمی؛ هشدار غیرمستقیم) کاربرد کمکی‌های رابطی نظیر باید؛ نباید؛ مطابق؛ التزام عملی نسبت به. کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان مانند مردم متعهد، باایمان، پایبند به ارزش‌های انقلابی و اسلامی و دارای التزام عملی به ولایت فقیه و آرمانها (قانون مدارس غیرانتفاعی ۱۳۶۷-لایحه قانونی پاکسازی مصوب ۱۳۶۰)</p>	<p>واژگان محدودکننده</p>

<p>تعلیمات رایگان و اجباری، اولویت بی بضاعتان، عدالت در توزیع امکانات آموزشی؛ رفع نابرابری امکانات آموزشی در شهر و روستا؛ تألیف کتب برحسب تنوع و مقتضیات برحسب جنس، سن و استعداد؛ متناسب با بافت عشایری و روستایی؛ توجه به اقلیت‌های دینی؛ توجه به آموزش بزرگسالان، احداث و توسعه مدارس- مدارس خصوصی (قانون آموزش و پرورش عمومی، قانون اهداف آموزش و پرورش)</p>	<p>مفاهیم خصوصی‌سازی آموزش متن</p>
---	------------------------------------

## ب. تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در متون قانون اساسی و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تفسیر)

در سطح تفسیر، شرایط تولید و خوانش متون مرتبط با خصوصی‌سازی آموزش در هر دوره گفتمانی، بر اساس پاسخ به این سؤالات بررسی می‌شود: در حیطه خصوصی‌سازی آموزش، تخاصم و تضاد گفتمان با دیگر گفتمان‌ها بر سر چه موضوع و مسئله‌ای است؟ مخاطب و گوینده یا تولید کننده متن چه کسانی هستند؟ روابط مخاطب و گوینده به چه صورت است؟ هدف از تولید متن چیست؟ دیدگاه و شرایط اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان چیست؟

بر اساس تحلیل توصیفی و تفسیر متون مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، تخاصم و تضاد گفتمان ایدئولوژیک‌سازی با محوریت حزب جمهوری در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز، پیرامون اصول و ارزش‌های اسلامی-انقلابی و برجسته‌سازی آن باورها در بیانات و متون بود، با این باور که ارزش‌های مذکور به عنوان زمینه‌ساز عدالت در دوره‌های پیش از انقلاب جایگاهی نداشته است و برای تحقق عدالت، وحدت و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی باید گسترش یابد، از این رو، بنیانگذاران انقلاب اسلامی، به عنوان قدرتی نوپا، برای تثبیت و حفظ ارزش‌ها و باورهای خود در برابر گفتمان رقیب و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های عملی مناسب برای حاکمیت ارزش‌های انقلابی و اسلام در تمامی شئون مملکت، یعنی بنیادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران با محوریت باورهای حزب جمهوری، نیازمند تولید متن (جوام، ۱۳۶۴: ۱۸) و در راستای تسری و تثبیت ارزش‌ها و اهداف مورد نظر، بنا به دلایل متعدد، نیازمند بهره‌گیری از نظام آموزش و پرورش، بودند. بنابراین، شورای عالی آموزش و پرورش با توجه به این ضرورت، در مسیر استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز رسالتی که آموزش و پرورش کشور بر عهده دارد و همچنین لزوم برقراری ضوابط تعلیماتی برای تامین عدالت، توسعه

علوم و فنون و اصلاحات تربیتی بر مبنای اعتقادات دینی، استقلال و آزادی و بنا به ضرورت مشارکت عمومی فرهنگیان، مربیان و صاحب‌نظران در امر تعلیم و تربیت کشور، تشکیل و تدوین متون و مصوباتی را با نظر به مواضع فکری و ارزشی گروه حاکم برای اجرا در دستور کار خود قرار داد (جوام، ۱۳۶۴: ۲۳).

به زعم انقلابیون اسلام‌گرا، حکومت پهلوی در زمینه عدالت‌گستری با باورهای دنیاگرایانه و ضد دین و سیاست‌های تقلیدی و اقتدارگرایانه در آموزش و پرورش (ایروانی، ۱۳۹۲: ۹۴) موجب به حاشیه رانده شدن آزادی، مشارکت مردمی، برخورداری نامساوی از آموزش و پرورش و غفلت از اصول و ارزش‌های اسلامی شد و همین امر، کنشگری مذهبیون در این زمینه را رقم زد (راعی گلوجه، ۱۳۹۶: ۷۰).

هرچند در دوران پهلوی، رایگان نمودن آموزش عمومی و عالی و حق شهروندان برای تصمیم‌گیری در مدارس دولتی، ملی و خصوصی در نظر گرفته شد (حاضری، ۱۳۷۲: ۳۲)، با این حال، بیشترین تخاصم و تضاد گفتمان پیش از انقلاب اسلامی، پیرامون خصوصی‌سازی، اجرای عدالت اجتماعی، سیاست اقتصاد کنترل‌شده و گسترده‌سازی دولت (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۰۳) به‌منظور نظارت بر اقتصاد و امور اجتماعی و فرهنگی را ارجح دانست. در زمینه خصوصی‌سازی آموزش، وجود مدارس خصوصی (ملی) زمان پهلوی را که بهترین امکانات و معلمان را در اختیار خود داشتند، تبعیض‌آمیز می‌دانست و به همین دلیل، عدالت انقلابی و رایگان بودن تحصیل را به دولتی‌کردن مدارس و مؤسسات آموزش عالی، تعبیر و تفسیر نمود (حاضری، ۱۳۷۷: ۷۰) و بر تربیت دینی و انقلابی تأکید کرد. پیرامون این مهم، وزرای آموزش و پرورش وقت، مواضع بعضاً مشابهی اتخاذ نمودند. برخی از افراد که در این گفتمان، عدالت را به مثابه مردم‌گرایی و مبارزه با دشمن برشمرد و بر این اساس، بر اشاعه اخلاق انقلابی در مدارس، گزینش و تربیت معلم پیرو انقلاب، افزایش مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش به منظور نظارت و جلوگیری از نفوذ واحدها و احزاب ضد انقلاب و افزایش نقش مردم در احداث و ساخت مدارس (زهره‌ای، ۱۳۹۱: ۱۵۷) تأکید نمود.

برخی دیگر همچون باهنر نیز، تربیت و بازیابی نیروی مومن، مسلمان و انقلابی در نظام، با هدف بازسازی محیط آموزش و زمینه‌سازی برای مشارکت مردم در آموزش و پرورش به منظور جلوگیری از القای فرهنگ غیراسلامی و پاکسازی مدارس از عناصر غیر انقلابی را مدنظر قرار داد. لایحه پاک‌سازی معلمان، بزرگ شدن مجموعه آموزش و پرورش، جذب معلمان متعهد، از دیگر اقدامات تمرکززدایانه است که در این دوران مورد توجه قرار گرفت. چند سال بعد، کوشش برای

نظام‌مند کردن مدارس خصوصی در کنار عواملی از قبیل تداوم مهاجرت از روستاها به شهرها و رشد جمعیت شهری؛ افزایش شمار دانش‌آموزان و به‌ویژه دانش‌آموزان دختر که بعضی از آنها تا پیش از آن به دلایل شرعی به مدارس نمی‌رفتند؛ مشکل کمبود مدارس و در نتیجه شکل‌گیری مدارس چند نوبته را بوجود آورد. طعنه مخالفان قانون آموزش دولتی بر موافقان مبنی بر التقاط و چپ‌گرایی؛ نابرابری‌های گسترده پس از انقلاب؛ گستردگی فعالیت آموزش و پرورش دولتی و فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور؛ شکست رویکردهای اقتصاد سوسیالیستی در عرصه جهانی و نیز چرخش گفتمانی در صحنه بین‌المللی از آموزش دولتی به آموزش غیر دولتی، موضع مخالفان قانون آموزش دولتی را تقویت کرد. بدین ترتیب راه اندازی مدارس خصوصی که نام غیرانتفاعی یافته بودند، راهکار گسترش عدالت آموزشی معنا شد. نکته مورد توجه این بود که، بخش خصوصی‌سازی آموزش که در پی انقلاب و نیز بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی برداشته شده بود، بار دیگر در قالب مدارس غیر انتفاعی فعالیتش را آغاز کرد (پیوندی، ۱۳۷۸: ۷۴۳).

نگرانی‌های مخالفان مدارس غیرانتفاعی که مراکز خصوصی را مخالف عدالت آموزشی می‌دانستند، بیشتر متأثر از اشاره موافقان به محدودیت‌های منابع مالی در زمان جنگ و تراکم تقاضا با تأکید بر ملاحظات و رعایت اصل عدالت آموزشی تصویب شد، بر این اساس و مطابق ماده ۷ آئین نامه مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۶ با هدف جلب مشارکت مردم و کاهش تمرکز تصویب شد، در این آئین نامه، به افراد دارای صلاحیت علمی و اخلاقی با هزینه خود و یا اولیای دانش‌آموز، مجوز تاسیس داده می‌شود، از دیگر شرایط، تعهد به عمل در چهارچوب سیاست‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و عمل طبق ابلاغیه‌ها و مصوبات اداره مرکزی در تمامی فرآیند آموزشی و پرورشی می‌باشد. آیین‌نامه اجرایی مدارس غیر انتفاعی، تایید پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش بر اجرای طرح کاد، ساخت مدارس، آموزش از راه قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، قانون نحوه مشارکت مردم، از جمله مصوبات و برنامه‌های آموزشی دوره پرورش و دوره اکرمی وزرای منصوب در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ بود (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۶۸-۱۳۶۲).

با توجه به تحلیل متون مصوبه، توزیع عادلانه امکانات آموزشی، مخالفت با غیردولتی‌سازی مدارس، آموزش و پرورش رایگان و اجباری، رفع نابرابری امکانات آموزشی در مناطق محروم، دولتی شدن آموزش عمومی و عالی، توجه به آموزش افراد بی بضاعت و مستضعف در مصوبات و برنامه‌های این دوره پربسامد است. تولیدکنندگان متن، یعنی موافقان این گفتمان به نوعی خود را مسؤول مردم یا به تعبیری مخاطبان دانسته و برای رفع بی‌عدالتی، ظلم و فقر، نظارت و کنترل

دولت در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پیشنهاد می‌دهد. پشتوانه نظری این تفکر، عدالت فراگیر اسلامی است که عدالت در توزیع منابع و امکانات را وظیفه حکومت اسلامی دانسته و اذعان به اقدامات پیشگیرانه و جبرانی توسط حکومت در این زمینه را دارد (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۱۹۴) و از سویی با برخی از مبانی فکری چپ‌گرایانه و سوسیالیسم<sup>۱</sup> یعنی، تقدم عدالت اجتماعی؛ حاکمیت دولت؛ مبارزه با سرمایه‌داری و تبعیض طبقاتی؛ طرفداری از توده‌های مردم، مشابه است (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۳۳). تحلیل، نشانگر محوریت و پربسامد بودن ارزش‌های انقلابی-اسلامی در بیانات و متون مصوبه است، چرا که عباراتی نظیر؛ اهداف و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تربیت دینی و اعتقادی، تزکیه در آموزش، گزینش اعتقادی، پاک‌سازی فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، دارای فراوانی است. فقرزدایی و برخوردارگی از آموزش با تاکید بر روستا و مناطق محروم و افراد بی‌بضاعت، پیرامون مقوله خصوصی‌سازی آموزش، بیشترین تکرار را دارد. تالیف کتب برحسب تنوع و مقتضیات، برحسب جنس، سن و استعداد، متناسب با بافت عشایری و روستایی، توجه به اقلیت‌های دینی و مشارکت مردم در آموزش و پرورش، از جمله شاخصه‌های خصوصی‌سازی آموزشی است. با نظر به متون و براساس آمار، برنامه‌های دهه اول انقلاب و بالاخص دولت موسوی، زمینه‌ای برای برخوردارگی و افزایش سواد اقشار در حاشیه (مناطق محروم، دختران، روستاییان و محرومین) از آموزش و پرورش شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۳)، اختلافات و تنش‌های سیاسی، نفوذ محافظه‌کاران سنتی در مسند تصمیم‌گیری و اعمال سیاست‌ها (آریان راد و حاضری ۱۳۹۶: ۱۵۸)، شدت جنگ، کسری بودجه ناشی از تحریم بین‌المللی و افول درآمدهای نفتی، ناآرامی‌های داخلی، خسارات وارده از جنگ، از جمله عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یا به دیگر تعبیر عوامل برون‌متنی‌اند که به نوعی در تولید متن نقش دارند و همچنین، بر چگونگی اجرای اهداف و برنامه‌های مدون و منوط به خصوصی‌سازی آموزشی تاثیر می‌گذارند که برخی از این عوامل نقش تعیین‌کننده و مهم‌تری دارند. در متون مصوبه به مشارکت در سطح اجتماعی و آموزشی اشاره شده است، اما با تاکید بر مشارکت مالی، اعتقادی و ارشادی که اگر متن را با توجه به عوامل بیرون از متن تحلیل کنیم، کسری بودجه ناشی از خسارت‌ها، شدت جنگ و سیاست اقتصادی دولت، تنش‌ها و اختلافات داخلی، استفاده از نیروهای متعهد به ارزش‌های انقلابی در منصب‌های کشوری و آموزشی و از طرفی مواضع فکری گروه حاکم پیرامون، ترویج و تبلیغ ارزش‌های انقلابی و مبارزه با ضد انقلاب با هدف ایجاد وحدت فکری، فرهنگی و اعتقادی مردم و به منظور کنترل اوضاع و نگهداشت

---

1. socialism

انقلاب (موسوی، ۱۳۶۱)، موجب برجسته شدن و توجه به مشارکت در ابعاد مذکور شد. به دیگر بیان، عوامل مذکور، از سویی، تمرکز بر تامین حداقل نیازهای ضروری و معیشتی و تاکید بر مشارکت مالی به منظور کاستن از بار مالی دولت و جبران کسری بودجه و از سوی دیگر، تاکید بر تمرکززدایی و مشارکت کنترل‌شده و مشارکت در امور ارشادی و اعتقادی به‌منظور پیشگیری از نفوذ عوامل غیرانقلابی و کاهش کشمکش‌های منبعث از اختلافات و ناآرامی‌های داخلی و خارجی (آرایان راد و حاضری، ۱۳۹۶: ۱۵۶) را رقم زد، مولفه‌هایی که تا حد زیادی و بدون برنامه منطقی و انعطاف‌پذیر، جمع ناپذیرند و پیامدهای اینچنین موضعی بر مقوله خصوصی‌سازی در نتایج آماری، پژوهش‌ها و دیگر شواهد، مشهود است. برخورداری کیفی از منابع فیزیکی و انسانی، آزادی بیان و تفکر، کثرت-گرایی، تمرکززدایی و مشارکت در تعلیم و تربیت، برای تحقق کارآمد، الزاماتی از جمله؛ فرهنگ-سازی، همه‌جانبه‌نگری، تربیت نیروی متخصص و کارآمد، تعاملات مناسب، بهره‌گیری از روش‌ها و افکار و نظریات متعدد، بهره‌گیری از بعد کارکردگرایانه دین در کنار دیگر افکار و نظریات، تعاملات مناسب و در سطح گسترده را می‌طلبد که در سیستم متمرکز و دولت‌محور با این باور که مواضع فکری و ارزش‌های گروه حاکم در همه ابعاد تعلیم و تربیت پاسخگو و در اولویت است، دستیابی به این مهم را ناممکن می‌سازد و در برخی جنبه‌ها نیز به تضاد و ناسازگاری منجر می‌شود.

### تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در متون قانون اساسی و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تبیین)

بر اساس تبیین حاصل از متون گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، باید گفت ارتباط این متون، با گفتمان مسلط، یعنی انقلاب اسلامی، بسیار قوی و به نحوی رابطه قدرت/دانش را یادآور می‌شود. تولید متون به‌منظور ترویج و حفظ ارزش‌های موردنظر گفتمان با بکارگیری پربسامد و تکرار واژگان ارزشی انقلاب اسلامی، مشخص است. مولد متن یعنی سنت‌گرایی ایدئولوژیک (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵۹).

مهم‌ترین مسئله نظام را وحدت فرهنگی و دینی به‌منظور تثبیت ارزش‌های انقلابی و اسلامی برشمرده و به نوعی با تأکید بر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و مسئولیت‌سپاری به حکومت، حفظ و تثبیت خود را موجب شد. همانطور که گفته شد، تأکید بر رد خصوصی‌سازی، تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، رفع نابرابری آموزشی در مناطق محروم و روستاها با

محوریت ساخت و احداث مدارس، تعلیم و تربیت رایگان و اجباری، توجه به آموزش افراد بی‌بضاعت، روستا و مناطق محروم، مشارکت‌طلبی با اهداف خاص مورد نظر حاکمیت، موضع اتخاذی گفتمان مذکور پیرامون مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش بود. تولید متون مذکور در شرایط جامعه‌ی آن روز با هدف همبستگی، انسجام و دور نگه‌داشتن جامعه از آسیب‌های احتمالی و با نظر به کاستی‌های حکومت پیشین در زمینه آموزش، تا حدی کارآمد بود، اما با توجه به کناره‌گیری از نظریات و تحولات اجتماعی و فرهنگی روز جهان، گستردگی فعالیت آموزش و پرورش دولتی، واقع‌گرایانه نبودن برخی استراتژی‌ها و برنامه‌ها، فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور، گزینش عوامل اصلی آموزش و پرورش بر اساس مواضع فکری و ارزشی، در نظر نگرفتن نیازهای متنوع و واقعی افراد و عدم جامعیت و پویایی ناشی از تمرکزگرایی (صافی، ۱۳۷۴: ۵۲) و ارجح بودن نگاه‌داشت ارزش‌های مورد نظر حاکمیت با هدف وحدت دینی و فرهنگی از نقطه‌نظر تحقق مؤثر خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، ناکارآمد بود. زیرا محدودیت‌ها و تناقضات درون‌متنی و عوامل برون‌متنی، مانعی برای فراهم آمدن الزامات تحقق این مهم هستند و رشد کیفی آموزش و پرورش را ناممکن می‌سازند. مباحث مذکور به همراه دیگر شرایط، مقدمه‌ای فراهم آورد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، پیرامون چرایی و چگونگی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گرفته، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون خصوصی‌سازی آموزش و پرورش اتخاذ گردد.

#### الف. تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در گفتمان سازندگی و متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

در این قسمت، مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در بیانات مستقیم رئیس جمهور وقت و متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش، به ترتیب در جداول شماره (۴) و (۵) توصیف شده است:



جدول شماره چهار- تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در بیانات مستقیم هاشمی

رفسنجانی (سطح توصیف)

<p>استبداد/غرب‌زده/ رژیم فاسد/ فرهنگ غلط/ کمبود امکانات/ ضدا ارزش/ فقر/ مناطق محروم/ بیکاری / جنگ زده/ ضدا انقلاب/ ضدا اسلام (سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش پیرامون شیوه آموزش و پرورش و نیاز به متخصص، ۱۱ مرداد ۱۳۶۳)</p>	<p>واژگان سلبی</p>
<p>سازندگی/ حفظ فرهنگ سنتی و ترویج و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و اسلام/ مخالفت با استکبار جهانی، تجدد غربی/ مخالفت با سوسیالیسم، مارکسیسم و امپریالیسم/ رشد و توسعه اقتصادی/ سازندگی بر اساس سرمایه‌گذاری و تأکید بر امور زیربنایی/ سیاست تعدیل و خصوصی‌سازی/ تعلیم و تربیت اسلامی/ نیروی فرهنگی صالح/ بازسازی/ ولایت فقیه/ تعدیل</p>	<p>واژگان محوری و پربسامد</p>
<p>انقلابی در مقابل ضدا انقلاب/ اسلامی در برابر غیراسلامی و غربی/ متعهد در برابر غیر متعهد/ ارزش در برابر ضدا ارزش / خصوصی در برابر دولتی</p>	<p>واژگان تقابلی</p>
<p>صفا ت ایدئولوژیک: فرد انقلابی خوب و متعهد/ تسلیم قانون شود/ عناصر مخرب و ضدا انقلاب/ ضدا انقلاب و ضدا اسلام/ ضدا انقلاب و تروریست و حامی استکبار/ روحیه انقلابی/ آزادی در چارچوب دولت و نظام/ عمل در چارچوب نظام انقلاب هم‌شهری (سخنرانی در جمع دانشجویان حزب جمهوری اسلامی ۲۸ آذر ۱۳۷۵، ۳۰ فروردین ۱۳۶۳)</p>	<p>واژگان محدودکننده</p>
<p>عدالت در گرو رونق اقتصادی/ برخورداری از نعمت‌های عمومی/ ایجاد جامعه‌ای مرفه/ سازندگی بر اساس سرمایه‌گذاری و تأکید بر امور زیربنایی/ تناسب بین توجه به رشته‌های فنی و نظری/ توجه به تحول کیفی/ تناسب بین آموزش کوتاه مدت و تخصص‌گرایی/ رفع کمبود امکانات آموزشی/ فقرستیزی و عدالت اجتماعی/ توجه به مناطق جنگ‌زده و روستایی/ تأمین نیازهای مصرفی/ آزادی‌های اساسی/ مدارس شبانه‌روزی/ مدارس نمونه دولتی/ افزایش تحت پوشش تحصیلی قرار دادن/ کاهش بی‌سوادی و ساخت مدارس مناطق محروم/ عدالت اجتماعی/ توجه به اقلیت‌ها/ خصوصی‌سازی/ توجه به تربیت و حضور زنان در اجتماع/ مدارس غیرانتفاعی (مصاحبه با فصل‌نامه حکومت اسلامی، ۳ اسفند ۱۳۷۶)</p>	<p>مفاهیم خصوصی‌سازی آموزش متن</p>

جدول شمارهٔ پنج-تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش متون برنامهٔ توسعهٔ اول و دوم و

مصوبات شورای عالی آموزش (سطح توصیف)

<p>کم‌بضاعت؛ جنگ‌زده؛ عقب‌ماندگی؛ مصرف‌گرایی؛ فقر؛ نیازمند؛ محروم؛ شکاف طبقاتی(قانون تشکیل شوراها، برنامه توسعه اول)</p>	<p>واژگان سلبی</p>
<p>آرمان‌ها و فرهنگ انقلابی؛ موازین اسلامی؛ رشد و عدالت اقتصادی؛ تقدم پرورش و تزکیه، خصوصی‌سازی، التزام عملی به ولایت فقیه؛ آرمان‌های انقلاب اسلامی و اسلام (برنامه توسعهٔ دوم، قانون گزینش معلمان، مصوب ۱۳۷۴)</p>	<p>واژگان محوری</p>
<p>آرمان‌های اسلام و انقلاب در برابر آرمان‌های استکبار و سلطه‌گر؛ خصوصی در برابر دولتی؛ خودکفایی در برابر وابستگی؛ عموم مردم در برابر قشر خاص؛ ولایت فقیه‌مدار در برابر ضدولایت فقیه؛ متخصص در برابر غیرمتخصص؛ غیرمتعهد</p>	<p>واژگان تقابلی</p>
<p>رشد اقتصادی، نسل جوان طرح‌های تولیدی و زیربنایی؛ تخصص نیروی انسانی؛ خودکفایی؛ غیردولتی؛ خودکفایی؛ تولید؛ کاهش وابستگی؛ آموزش عالی؛ آموزش فنی و حرفه‌ای؛ پرهیز از رفاه‌طلبی؛ جنگ‌زده، محروم؛ بسیجی و ایثارگر، قشر محروم و آسیب‌پذیر؛ آموزش اخلاقی و معنوی (برنامهٔ توسعهٔ اول، اهداف کلی)</p>	<p>واژگان پربسامد</p>
<p>افعال و عبارات: نظارت دولت؛ منافات نداشتن با، ناقض نباشد، طبق دستورالعمل مرکزی، مطابق قوانین مرکزی، طبق ضوابط آموزش و پرورش، باید، نباید، نظارت مستمر، مطابق چارچوب‌ها، در صورت حفظ شئون اسلامی، توأم با تعهد به ارزش‌های انقلابی، اولویت با، باید متعهد به، منافی اعمال حاکمیت نباشد، مطابق قوانین و سیاست‌های وزارت مرکزی، ابلاغ می‌گردد، بر اساس سیاست‌های نظارتی و هدایتی دولت، صفات ایدئولوژیک: مردم مسئولیت‌پذیر، متعهد به انقلاب و ولایت فقیه، نیروهای مؤمن و متقی (برنامهٔ توسعهٔ دوم، قانون گزینش معلمان، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش، برنامهٔ توسعهٔ اول، آیین نامه مدارس نمونه دولتی، مصوب ۱۳۷۹)</p>	<p>واژگان محدودکننده</p>
<p>اولویت آرمان‌های اسلام و ارزش‌های انقلاب در کلیه موارد؛ مرکزیت و مسئولیت دولت؛ اولویت حق ورود بسیجیان و ایثارگران؛ اولویت گزینش اعتقادی؛ تقدم پرورش بر آموزش؛ پرورش برابر با آرمان‌ها و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی</p>	<p>واژگان مشروع‌سازی‌شده</p>

<p>اولویت امور زیربنایی؛ تعلیمات اجباری و رایگان؛ عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح سواد دختران؛ مشارکت مردمی؛ مشارکت‌زنان؛ واگذاری امور اجرایی آموزشی به بخش غیردولتی و غیرانتفاعی؛ توجه خاص به آموزش کودکان استثنایی؛ توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای؛ توجه به روستاییان و عشایر و قشر آسیب پذیر در آموزش؛ مدارس شاهد؛ اولویت بخش-های محروم جنگ‌زده، شوراها، آموزش؛ احداث و توسعه مدارس، اهمیت به تربیت بدنی، علمی، نقادانه و خلاقانه؛ تأمین حداقل نیازهای اساسی؛ آزادی اقلیت‌های مذهبی؛ توجه به شرایط اقلیمی و جمعیتی؛ غیرمتمرکز نمودن آموزش فنی و حرفه‌ای؛ کاهش فقر و محرومیت؛ تخصص‌گرایی؛ خصوصی‌سازی؛ تأسیس مدارس شبانه روزی؛ تأسیس نمونه-دولتی (قانون تشکیل شوراها، برنامه توسعه اول، قانون مدارس نمونه مردمی ۱۳۶۹، قانون مدارس نمونه دولتی ۱۳۷۲)</p>	<p>مفاهیم خصوصی‌سازی آموزش متن</p>
---	------------------------------------

### ب. تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در متون برنامه توسعه اول و دوم و مصوبات شورای عالی آموزش (سطح تفسیر)

بر اساس تفسیر و نقد بیانات مستقیم و متون مصوب، تخاصم و تضاد گفتمان سازندگی با گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، بیش از هر مسئله‌ای، پیرامون راهکارهای توسعه، برقراری عدالت آموزشی است. برنامه‌های گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، با محوریت تفکرات و برنامه‌های چپ‌گرایان سنتی، در برقراری عدالت اجتماعی با تمرکز بر عدالت توزیعی دولتی، تمرکزگرایی و مخالفت با خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش به دلایل و شرایط متعددی که ذکر شد، موفقیت‌آمیز نبود. حزب سازندگی با نقد اقدامات گفتمان پیشین، یعنی پرداخت یارانه‌های بی حد و حصر و بدون حساب و کتاب به کالاها و اقلام، پرداخت سهمیه‌های دولتی، کنترل و نظارت دولتی بر بسیاری از امور را ناشی از عامل تبعیض و شکاف طبقاتی دانست (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۳۶) و بر این اساس و با توجه به پیش‌فرض‌های خود، در برنامه‌ها، محوریت را به توسعه اقتصادی و سیاست تعدیل داد (دارابی، ۱۳۹۵: ۳۲۷).

طبق تحلیل متون برنامه‌های توسعه، حزب سازندگی تعریفی متفاوت از اقتصاد، سیاست و متعاقب آن عدالت آموزشی ارائه داد، عدالت را برابر با افزایش ثروت و کاهش فقر و به مثابه توسعه اقتصادی و منوط به رشد اقتصادی، خصوصی‌سازی و منافع ملی در ابعاد دولتی و آموزشی دانست (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۸۳).

بازسازی فرآیند تولید متن برنامه‌ توسعه‌ اول و دوم، یا به تعبیری، افراد درگیر در کنش به‌عنوان فاعلان، گروه حاکم و به‌عنوان مخاطبان، آحاد مردم که از حیث اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت می‌باشند. هدف از تولید متن (گفتاری و نوشتاری، با توجه به به-کارگیری واژگان ارزشی، صفات ایدئولوژیک، افعال و عبارات شرطی، بیش از هرچیز، مشروع-سازی ارزش‌های مورد نظر گروه حاکم و همچنین دادن جایگاه ویژه و اقتداری به دولت به‌عنوان سیاستگذار است که به نوعی مخاطب را برای پذیرفتن و عمل در چارچوب و راهکارهای دولت اقناع می‌نماید و از سویی نشان‌دهنده روابط اقتداری، سلسله‌مراتبی و فاصله‌ای تثبیت شده بین فاعلان و مخاطبان است که الزامات عدالت‌ورزی در کلیه ابعاد، بالاخص بعد کیفی آموزشی را با تناقض، تابعیت و محدودیت روبرو می‌سازد. خصوصی‌سازی و تاسیس دانشگاه غیردولتی، اشتیاق به تحصیلات عالی را افزون ساخت که این به نوبه خود، موجب آگاهی سیاسی و اجتماعی جامعه و درخواست مشارکت مردم در فعالیت‌ها شد، اما به دلیل جو حاکم و فراهم نبودن فضای نقادی، در باب مشارکت، اقدام چندانی صورت نگرفت (موسوی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱). تقاضای مشارکت بدون شک در آموزش و پرورش، هم مطرح بود که به دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به این تقاضاها پاسخی داده نشد. در برنامه توسعه دوم که در این دوران تدوین شد به علت تورم ناشی از خسارت جنگ تحمیلی و فشار بر طبقات پایین، رشد اقتصادی، مقدم بر عدالت اجتماعی که خود زمینه‌ای برای ایجاد تمرکززدایی است، شمرده شد و این موجب زیاد شدن طبقات، توزیع درآمدها و ازدیاد فاصله طبقاتی شد (امیر محمدی، ۱۳۸۴: ۸۶).

هرچند که به زعم برخی از صاحب‌نظران رشد اقتصادی اگر با سیاست‌های صحیح حمایت و توزیع شود می‌تواند زمینه‌ساز عدالت اجتماعی باشد. ارتباط با دول خارجی نیز با توجه به سیاست‌هایی که در زمینه‌های علمی و فرهنگی شد، این موضوع با توجه به فرآیند در حال رشد جهانی‌شدن، پیامدهای مطلوبی در بر نداشت. در این دوران محمدعلی نجفی از سوی هاشمی رفسنجانی انتخاب و پس از تایید مجلس، وزارت آموزش و پرورش را عهده‌دار شد. با توجه به اوضاع و شرایط آن دهه، اقداماتی که نجفی انجام داد، تأسیس مدارس غیرانتفاعی برای کاستن از حجم ساختار بزرگ و کم‌تحرک آموزش و پرورش بود.

همانطور که بیان شد مدارس غیرانتفاعی اگرچه می‌تواند نوعی تفویض اختیار و کاهنده تمرکز باشد، اما بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مشارکت بیشتر در بعد مالی بوده و ارزش‌های مشارکتی و تصمیم‌گیری مردم آنچنان که باید پررنگ نمی‌باشد، که با استناد به مصوبات و آئین‌نامه

مربوط، می‌توان محدودیت‌های آن را دریافت (قاسمی پویا ۱۳۸۰: ۹۸-۹۲)، اقدام دیگر وی واگذاری امور اجرایی به مدارس برای کوچک‌تر نمودن آموزش و پرورش، تسهیل روند گزینش‌های آموزش و پرورش و سخت نمودن شرایط انتقال و استخدام معلمان با استفاده از معیارهای تحصیلاتی بود، که این اقدامات به نحوی تمرکززدایی را تقویت می‌نمود، اما به دلیل مقاومت‌های محافظه‌کارانه و ساختار سلسله‌مراتبی بزرگ و پیچیده نظام آموزش و پرورش، این اقدامات صورت عملی نگرفت. محوریت ارزش‌های انقلابی و تاکید بر عمل در چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های مرکزی به نوعی با شاخصه‌های خصوصی‌سازی آموزشی از جمله مشارکت‌گرایی موثر، تمرکززدایی، کثرت‌گرایی و شایسته‌سالاری، به نوعی در تضاد و ناسازگار است (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶-۱۳۶۸).

طبق تحلیل و تفسیر متون مصوبه آموزشی، دلالت‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش با محوریت مشارکت، مدارس غیر دولتی، غیرگرایی، اقلیت‌گرایی و تمرکززدایی در نظام آموزشی برجسته است که در واگذاری امور اجرایی آموزشی به بخش غیردولتی و غیرانتفاعی، توجه خاص به آموزش کودکان استثنایی، توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای در آموزش، شوراهای آموزشی، مدارس نمونه مردمی به منظور بالابردن کیفیت آموزش در مناطق محروم، تربیت نقادانه و خلاقانه، آزادی اقلیت‌های مذهبی در امر آموزش، توجه به شرایط اقلیمی و جمعیتی، تمرکززدایی آموزش فنی و حرفه‌ای و تخصص‌گرایی، نمود پیدا می‌کند، اما، براساس تحلیل متون، به‌کارگیری افعال و عبارات امری و شرطی، نمایان‌گر روابط سلسله‌مراتبی است. تاکید بر انحصار امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت، تابعیت و عمل طبق دستورالعمل‌های مرکزی و موازین مشروع‌سازی شده در متون مصوبه، بسیار مشهود است. تکرار و پریسامد بودن هم‌معنایی امور فرهنگی با ارزش‌های انقلابی اسلامی و تاکید بر اولویت آن در کلیه امور، دوگانه‌سازی ارزشی با برجسته‌سازی ارزش‌های خودی و طرد ارزش‌های متفاوت با ارزش‌های این گفتمان و متعاقب آن بهره‌گیری از صفات ایدئولوژیک، نشانگر نوعی هشدار غیرمستقیم و در نتیجه ابهام، تابعیت و محدودیت در اقدام است. همراهی مولفه‌های خصوصی‌سازی آموزش از جمله تمرکززدایی، مشارکت‌گرایی، کثرت‌گرایی در جوار عباراتی که نشانگر محوریت مواضع فکری و ارزشی خاصی است، نوعی تناقض درون‌متنی است که با نادیده انگاشتن تفاوت‌ها و ارزشمند شمردن تابعیت، تحقق کارآمد مولفه‌های خصوصی‌سازی آموزش را به حاشیه می‌راند و با اینکه در ظاهر، به تغییر و تحول تاکید دارد، با اولویت‌بخشی به مواضع خود و یک‌سویه نگری در این امر، فراهم‌سازی الزامات را خنثی می‌سازد. هاشمی رفسنجانی، در بیانات خود به سازندگی و توانمند ساختن کشور با تکیه بر بهره‌گیری از نظام

آموزشی، تربیت اسلامی، نیروی متعهد و متخصص به منظور ایجاد رفاه و برای مقابله با تبعیض و مقابله با استکبار جهانی و همچنین حفظ ارزش‌ها، تاکید بسیاری داشت. بهره‌گیری دولت از عباراتی که نشانگر دوگانه‌سازی ارزشی، روابط سلسله‌مراتبی، بیان اقتدارگونه و فرمایشی در کنار تاکید بر مشارکت‌گرایی، تمرکززدایی، شوراها، آزادی، توجه به اقلیت‌ها و کثرت‌گرایی در نظام آموزشی، ناهم‌خوانی و ابهام را نشان می‌دهد، در حالی که تحقق موثر تمامی این مولفه‌ها در صورت عدم تعدیل تمرکز و قدرت ناشی از مواضع ارزشی و فکری مشخص، ناممکن می‌نماید. ناهم‌خوانی و تضاد در نظر ناکارآمدی در عمل را منجر می‌شود، از شواهد و یافته‌های این دوران مشخص می‌گردد. عوامل برون‌متنی، رویدادها و شرایط موثر در تولید و چگونگی اجرای متون و مصوبات این دوره از این قرارند: شرایط بین‌المللی از رواج آموزه‌های دموکراسی گرفته تا تحریم‌ها، وفات امام خمینی به عنوان شخصیتی کاریزماتیک و کسری بودجه ناشی از اقدامات اقتصادی دولت و سرمایه‌گذاری‌های بدون پشتوانه، خسارت‌های ناشی از جنگ، افزایش آگاهی مردم و در نتیجه مطالبه‌گری برای مشارکت، متاثرشدن آموزش و پرورش از جریان‌های سیاسی و غفلت از نیازهای واقعی، ساختار سلسله‌مراتبی و گسترده‌ی نظام آموزشی، فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور، برنامه‌های بدون پشتوانه نظری و عملی مناسب و گاه تقلیدی از سیستم آموزشی دیگر کشورها، گزینش عوامل اصلی آموزش و پرورش بر اساس مواضع فکری و ارزشی (صافی، ۱۳۹۴: ۱۸۷) و آنچنان که از تحلیل متون و بررسی رویدادها، مستندات و پیامدها برآمد، شاخصه‌های خصوصی‌سازی آموزشی، کاستن از حجم ساختار بزرگ و کم‌تحرک آموزش و پرورش، تحت نظر قراردادن مدارس خاص و انتفاعی (مدارسی که خود به نوعی بی‌عدالتی را موجب شدند) و نظارت بیشتر به فعالیت‌های اینگونه موسسات، مدارس و شوراها، جواب دادن به خواسته‌های مشارکتی مردم، تامین منابع مالی و کم کردن فشار بر دولت؛ کماکان با محوریت و اولویت نگاه‌داشت چارچوب‌های مورد نظر گروه حاکم، مدنظر قرارگرفت (یارقلی، ۱۳۹۲: ۲۰۰). بنابراین، برخورداری کیفی از منابع مادی و انسانی در آموزش و پرورش به‌عنوان عامل تحول در این حیطة، تحت تاثیر این عوامل، از تحقق موثر و کارآمد بازماند.

### تحلیل مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش در متون برنامه‌ توسعه‌ اول و دوم و مصوبات

#### شورای عالی آموزش (سطح تبیین)

طبق تبیین مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، متون توسعه و مصوبات آموزشی گفتمان سازندگی، باید گفت که ارتباط این متون با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان حزب سازندگی

قوی است و عبارات تأییدکننده بسیاری در این رابطه به کار گرفته شده است. دال‌های خصوصی-سازی آموزش و پرورش، مشارکت‌گرایی با گسترش مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی و شوراها، گسترش امور زیربنایی و تولیدی، تمرکززدایی در آموزش فنی، توجه به آموزش زنان و دختران (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶-۱۳۶۸) منجر به طرد و به حاشیه رانده شدن عدالت اجتماعی با تأکید بر عدالت توزیعی و دولتی در گفتمان پیشین شد، اما ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی یعنی ارزش‌های انقلابی و اسلامی با تأکید بر ولایت فقیه و دیگر ارزش‌های مرتبط، همچنان حفظ شد. تولید متون مذکور در شرایط جامعه آن برهه با هدف عدالت‌گستری در ابعاد مختلف، خصوصاً نظام آموزشی، با نظر به پیامدهای ناشی از کاستی‌های گفتمان پیشین پیرامون، خصوصی‌سازی آموزش و پرورش تا حدی کارآمد بود، اما با نظر به عدم همگامی مؤثر با نیازهای واقعی جامعه و تحولات جهانی، سلیقه‌گرایی، عدم پژوهش‌گرایی و شایسته‌سالاری مؤثر در نظام آموزشی، ضعف جامعه مدنی، واقع‌گرایانه نبودن استراتژی‌ها و برنامه‌ها، سوگیری ارزشی، محدودیت اجرایی مشارکت‌طلبی و تمرکززدایی همان‌گونه که از تحلیل متون و پیامدهای حاصله مشهود است، ناکارآمد بود؛ چرا که تغییر و تحولاتی مؤثر و پیش‌برنده را جز در مواردی محدود، با توجه به معیارهای رشد و توسعه، موجب نشد. کسری بودجه، افزایش رقابت ناسالم، ازدیاد فاصله طبقاتی، ایجاد اقشار جدید اجتماعی ناشی از سیاست‌های اقتصادی و سیاسی دولت نیز از دیگر عوامل مؤثر بر عدم تحقق مؤثر مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در دوران سازندگی است. در مجموع، ناکارآمدی ناشی از فراهم نبودن الزامات، مقدمه و فضایی فراهم آورد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی برقراری خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گرفته، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون برقراری خصوصی‌سازی آموزش و پرورش اتخاذ گردد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پیرامون مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزش، صرف وجود و تأکید بر این مؤلفه‌ها در متون، نشانگر اجرای عملی و مؤثر در عرصه تعلیم و تربیت نیست؛ چرا که عوامل بازدارنده درون‌متنی و برون‌متنی بسیاری بر این مهم تأثیرگذار است. در متون گفتمان ایدئولوژیک‌سازی، تأکید بر مشارکت مردم در آموزش و پرورش، شرایط بومی و توجه به اقلیت‌ها در عرصه تعلیم و تربیت مشهود است و در متون گفتمان سازندگی در این رابطه، تأکید بیشتری بر حمایت از مدارس

غیردولتی، توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای، مشارکت‌گرایی، تمرکززدایی و شوراهای آموزش و پرورش است؛ مؤلفه‌هایی که در متون گفتمان رقیب نمود کمتری دارد.

مبحث خصوصی‌سازی آموزش، مبحثی صرفاً نظری نیست، بلکه معطوف به عمل است و اگر در عمل، الزامات و زمینه‌ای برای تحقق آن فراهم نشود، موجبات رشد و توسعه فراهم نخواهد آمد؛ به تعبیری، دست یافتن به این مهم، طالب الزاماتی در سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، در حالی که در هر دو گفتمان، تناقضات و محدودیت‌های درون‌متنی و شرایط برون‌متنی، دستیابی مؤثر به مؤلفه‌های خصوصی‌سازی آموزشی را محدود و در عمل ناممکن ساخت. این بدیهی است که تا چه اندازه امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در جامعه‌ای با سیستم متمرکز در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، متأثر از مواضع فکری و ارزشی نهاد حکومت است، با این پیش‌فرض، متون تولیدشده در سطح نظری، به‌عنوان مبنای کار و برنامه، از اهمیت زیادی برخوردارند، خصوصاً در نهاد تأثیرگذار و مهمی مانند آموزش و پرورش. ولی آنچه مهم است تبدیل نشدن خود ایدئولوژی به برنامه است، هرچند که برنامه متأثر از ایدئولوژی باشد. اما فراروایت‌گرایی، مشروع‌سازی، بزرگ‌گرایی، مرکز‌محوری در متون هر دو دوره گفتمانی، مشهود است و به نحو بارزی سایر مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

تبدیل شدن ایدئولوژی به برنامه، با نادیده گرفتن سایر ابعاد و مؤلفه‌ها، در واقع، قدرت پنهانی است که با مشروع‌سازی، کاستی‌ها و ناکارآمدی را می‌پوشاند، تعاملات مؤثر را محدود می‌کند، نقد و اصلاح را نمی‌پذیرد و در مجموع، اقدامات عدالت‌ورزانه و توسعه‌محور را خنثی می‌نماید. نتیجه این است که هر گفتمان، مواضع ارزشی و فکری خاص خود را دارد که اگر از لحاظ انگیزشی و شناختی در آن تحول ایجاد نشود، موجب جزم‌اندیشی می‌شود و عدم تحول ناشی از حفظ موقعیت، قدرت و مشروعیت اجتماعی در گروه حاکم، راه‌کارهای مردم‌سالارانه، تمرکززدایانه و برخورد متعادل و منطقی را ناممکن می‌سازد؛ به تعبیر دیگر، بدون تغییر در این زمینه، تغییر مؤثر در دیگر زمینه‌ها خصوصاً در نظام مهم آموزشی، ممکن نیست.

حفظ ارزش‌ها با دلایل حتی منطقی در جای خودش مهم است و دستاوردها را نمی‌توان نادیده گرفت، اما در جهان متغیر، متکثر و در حال رشد امروز، برای حفظ کیفیت آموزش، باید آن‌گونه مواضع فکری و ارزشی مبنا قرار گیرد و روش‌هایی به کار گرفته شود که حقوق، شایستگی، تنوع، مشارکت، پویایی و نیازهای واقعی فراگیران، معلمان و دیگر دست‌اندرکاران عرصه آموزش و پرورش به‌عنوان عاملان و زمینه‌سازان تحول واقعی در عرصه مهم تعلیم و تربیت به حاشیه رانده



نشود تا تفکر و توانمندی برای ایجاد تغییر و تحول مؤثر فردی و اجتماعی، پدید آید. در کشوری مانند ایران با سیستم حکومتی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت، اجرای این مهم، بیش از هر امر دیگر لازم است و مقدمه آن ارجح دانستن مصالح افراد و جامعه با هدف رشد و توسعه در تمامی زمینه‌ها و اقدام بر این اساس است؛ مواردی که باید تدریجی و با پشتوانه علمی و پژوهشی و به‌طور متعادل و هماهنگ انجام شود و صورت افراط و تفریط به خود نگیرد.

منابع

۱. آریان راد، امین و علی‌محمد حاضری (۱۳۹۶) «مسئله عدالت آموزشی در دهه نخست دوره جمهوری اسلامی»، *تاریخ نامه انقلاب*، (دفتر اول و دوم): ۱۴۵-۱۷۱.
۲. احمدی روحانی، حسین (۱۳۸۴) سازمان مجاهدین خلق، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۳. آراسته، حمیدرضا و لاله جمشیدی (۱۳۹۳) «عوامل تأثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران»، *علوم تربیتی*، دوره ۲۱، شماره ۲: ۸۳-۱۱۲.
۴. آراسته، حمیدرضا و توران اسفندیاری (۱۳۸۹) «خصوصی سازی در آموزش عالی». *فصل - نامه نشاء علم*، سال اول، شماره ۱: ۲۰-۱۱.
۵. زهره‌ای؛ محمدعلی؛ رضایی، علی اکبر؛ راعی گلوچه، سجاد و مجید حکیمی خرم (۱۳۹۱) *اسنادی از دولت شهید رجایی*، تهران: جمهوری اسلامی ایران.
۶. آقازاده، احمد (۱۳۸۹) *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران: ارسباران.
۷. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. امیرمحمدی، هوشنگ (۱۳۷۴) «ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالش‌های برنامه دوم»، *اطلاعات اقتصادی-سیاسی*، شماره ۴۹-۵۰: ۴۸-۷.
۹. ایروانی، شهین (۱۳۹۳) «مقدمه‌ای بر تبیین ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن سازی تا امروز»، *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال چهارم، شماره ۱: ۸۳-۱۱۰.
۱۰. باباخانی، سجاد (۱۳۹۸) «تحلیل انتقادی گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی»، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی تهران.
۱۱. بشیریه حسین (۱۳۸۱) *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نگاه معاصر.
۱۲. پیوندی، سعید (۱۳۷۸) «واقعیت‌های نظام آموزشی امروز ایران»، *ایران‌نامه*، شماره ۶۸ و ۶۹: ۷۲۹-۷۶۴.

۱۳. جعفری، پیروش (۱۳۸۹) مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش، تهران: سازمان خصوصی سازی، مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۹) «مفهوم و شاخصه‌های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی با تاکید بر نظریه عدالت سیاسی رالز»، فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۷، شماره ۲۲: ۲۰۵-۱۷۹.
۱۵. جوام، محمد حسین (۱۳۶۴) «بررسی مسائل و مشکلات برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، چاپ نشده.
۱۶. جهانگیری، جهانگیر (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری»، مطالعات اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳: ۴۷-۲۳.
۱۷. حاضری، علی محمد (۱۳۷۲) روند اعزام دانشجو در ایران، تهران: سمت.
۱۸. حاضری، علی محمد (۱۳۷۷) مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی (با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. حسین‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶) گفتمان‌های حاکم بردولت‌های پس از انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۰. ربیعی، علی و زهرا نظریان (۱۳۹۱) «موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راه‌کارهایی جهت رفع آن‌ها». فصل‌نامه انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره ۲: ۱۷۱-۲۰۵.
۲۱. راعی گلوچه، سجاد و داریوش رحمانیان (۱۳۹۶) « سیاست و آموزش در دوره پهلوی دوم؛ بررسی موردی علل، چگونگی و فرایند تغییر مباحث و مصوبات شورای عالی فرهنگ: ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲»، تاریخ اسلام و ایران، ۲۷ (۳۵): ۵۷-۸۰.
۲۲. دارابی، علی (۱۳۹۵) جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. صافی، احمد (۱۳۹۴) سازمان و قوانین آموزش و پرورش، تهران: سمت.

۲۴. عزیزی، نعمت‌الله؛ جعفری، پریش؛ فرزاد، ولی‌الله و محمد صنوبری (۱۳۹۱) «موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش: مورد واکاوی مدارس غیرانتفاعی»، *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۲۰(۱): ۷۵-۹۴.
۲۵. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۲) «موانع و راه‌های توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش»، *قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان*.
۲۶. کاظمی، عباس (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران*، تهران: طرح نو.
۲۷. موسوی نیا، محمد تقی (۱۳۸۶) «ایران دوره هاشمی و خاتمی»، *مجله علوم انسانی*، گزارش شماره ۱۶۶.
۲۸. میرفخرایی، تزا (۱۳۸۳) *فرایند تحلیل گفتمان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۹. *مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)*، تهران: ریاست جمهوری.
۳۰. موسوی، میرحسین (۱۳۶۱)، *روزنامه اطلاعات*، ۲۵ مرداد، صفحه ۲۲.
۳۱. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶) *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۱۵، تهران: میزان.
۳۲. هاشمی، یاسر (۱۳۷۸) *عبور از بحران، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی*، تهران: همشهری.
۳۳. هاشمیان، فخرالسادات؛ زندیان، هادی و جواد آقامحمدی (۱۳۹۴) «تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش ایران». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۱۲): ۱-۲۶.
۳۴. یارقلی، بهبود (۱۳۹۲) «بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیرانتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت رویکردی هرمنوتیک»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱(۱): ۲۱۰-۱۹۶.

35. Adamson F, Galloway M. (2019) «Education Privatization in the United States: Increasing Saturation and Segregation», **Education Policy Analysis Archives**, 27(129): 1-48.

36. Baum DR, Cooper R, Lusk-Stover O. (2018) «Regulating market entry of low-cost private schools in education providers in Nigeria: A

case of private primary education», **Journal of Global Educational Development**, 60: 100-112.

37. Fairclough, Norman (2005) **Critical Discourse Analysis in transdisciplinary research**. In R, Wodak and P, Chilton. **A New Agenda in Critical Discourse Analysis**. Amsterdam: John Benjamin Publishing Company.

38. Friedman, M. (1955) **The role of government in education, in Economics and the Public Interest**, edited by R.A. Solo, New Brunswick, New Jersey, United States: Rutgers New Jersey University Press.

39. Gamlath S, Lahiri R. (2018) «Public and private education expenditures variable elasticity of substitution and economic growth», **Journal of Economic Modelling**, Volume 70, Pages 1-14.

40. Raj, R and IKEMBA-EFUGHI, I (2020)« Managerial Behaviour And Corporate Social Responsibilities of Private Education Providers in Nigeria: A Case of Private Primary Education», **Journal of Global Responsibility**. ISSN 2041-2568.

41. Joshi P. (2019) «The growth, roles and needs of the private education system: Private stakeholder» ,**International Journal of Educational Development**, Volume 65, Pages 57-67.

42. Martin, L Loomis, K & Young J. L. (2020) «Cutting School: The privatization, Segregation, and the End of Public Education perspectives from Nepal», **International Journal of Educational Development**, 65: 57-67. *Responsibility*, 11(4): 387-405.

43. Saltman KJ. (2020) «Artificial intelligence and the technological turn of public education privatization: In defense of democratic education», **London Review of Education**, 18(2): 196-208.

44. Schiffrin, Deborah; Tannen, Deborah and Hamilton, Heidi Ehernberger (2001) «The handbook of discourse analysis. Blackwell Press. Sub-Saharan Africa: Towards a theory of private education regulation», **International Journal of substitution and economic growth**. *Economic Modelling*, 70: 1-14.

45. Yıldırım, M. (2014) «Effects of privatization on education quality and equity: Comparison of a public and a private primary school in Turkey», **European Journal of Research on Education**, 2014, Special Issue: Contemporary Studies in Education, .46-40